





دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه الهیات و معارف اسلامی
پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M. Sc)
گرایش: ادیان و عرفان

عنوان:

خلق مدام از نظر ابن عربی و شارحانش

استاد راهنما:

دکتر عبدالرضا مظاهری

استاد مشاور:

دکتر بخشعلی قنبری

پژوهشگر:

عظیم اکبری آبی بیگلو

تابستان ۹۱

فهرست

مقدمه ۱

فصل اول : کلیات

۱-۱ بیان مسأله تحقیق..... ۳

۲-۱ سؤال تحقیق..... ۳

۳-۱ کلید واژه ها..... ۳

۴-۱ پیشینه تحقیق..... ۴

۵-۱ محدودیت ها و مشکلات..... ۴

۶-۱ قلمرو تحقیق..... ۴

۷-۱ روش تحقیق..... ۵

فصل دوم : اصول موضوعه و مبادی بحث کلیات

۱-۲ شارحان و مفسران ابن عربی..... ۷

۲-۲ ذات حق..... ۸

۳-۲ عدم دسترسی به کنه ذات حق تعالی..... ۹

۴-۲ آغاز آفرینش از منظر محدثان..... ۱۲

۵-۲ وحدت وجود..... ۱۸

۶-۲ علت آفرینش عالم..... ۱۹

۷-۲ تثلیث در آفرینش..... ۲۰

۸-۲ امانت از دیدگاه ابن عربی..... ۲۱

۹-۲ عشق به عنوان امانت از دیدگاه ابن عربی..... ۲۳

فصل سوم : تجلی از نظر ابن عربی

- ۳-۱ تعریف تجلی از نظر ابن عربی..... ۲۶
- ۳-۲ مراتب تجلی..... ۲۶
- ۳-۳ انواع تجلی..... ۲۸
- الف- تجلی ذاتی..... ۲۹
- ب- تجلی اسمائی..... ۳۰
- ج- تجلی آثاری..... ۳۰
- د- تجلی ظهور « رحمانی » و « رحیمی »..... ۳۰
- ۳-۴ تفاوت بین تجلی اسمائی و ذاتی..... ۳۱
- ۳-۵ دوام تجلی..... ۳۲
- ۳-۶ اهمیت تجلی..... ۳۲
- ۳-۷ علت ظهور تجلی حق تعالی در عالم..... ۳۳
- ۳-۸ هدف ظهور تجلی حق تعالی در عالم..... ۳۴
- ۳-۹ رابطه علم و ظهور حق..... ۳۶
- الف- علم قبل از ایجاد..... ۳۷
- ب- علم بعد از ایجاد..... ۳۸
- ۳-۱۰ ارتباط خلق با حق از حیث اسماء..... ۳۸
- ۳-۱۱ ام اسماء بودن انسان کامل..... ۳۹

فصل چهارم : نظام مظهریت در بینش ابن عربی

- ۴-۱ نظام مظهریت در بینش ابن عربی..... ۴۱
- ۴-۲ نفس الرحمن..... ۴۱

۴۲ ۳-۴ عماء
۴۲ ۴-۴ عقل اول (قلم اعلی)
۴۴ ۵-۴ هباء
۴۶ ۶-۴ نفس کلیه
۴۶ ۷-۴ عالم خیال
۴۸ ۸-۴ طبیعت کلیه

فصل پنجم : عالم اعیان ثابت

۵۰ ۱-۵ کلیات بحث اعیان ثابت
۵۲ ۲-۵ آبدینه بودن اعیان
۵۳ ۳-۵ رابطه اسماء و ممکن
۵۴ ۴-۵ نسبت وجود با اعیان
۵۵ ۵-۵ اعیان ثابت و خیر و شر

فصل ششم : خلق مدام

۵۹ ۱-۶ حرکت و خلق جدید از دیدگاه فیلسوفان و عرفا
۶۵ ۲-۶ معنای خلق
۶۵ ۳-۶ معنای خلق جدید و تعریف آن
۶۷ ۴-۶ بیان خلق جدید
۷۰ ۵-۶ نفس الرحمان و ارتباط آن با خلق جدید
۷۲ ۶-۶ تجدد امثال
۷۵ ۷-۶ پرسشهایی درباره تجدد امثال
۷۷ ۸-۶ عدم تکرار تجلی

الف- لا تعدد فی التجلی	۷۹
ب- لا تکرار فی تجلی	۸۰
۹-۶ تقریر محی الدین ابن عربی	۸۲
۱۰-۶ تقریر قونوی	۸۲
۱۱-۶ تقریر شبستری	۸۳
۱۲-۶ تقریر جامی	۸۴
۱۳-۶ تقریر دیگر	۸۶
۱۴-۶ چند نکته در مورد خلق مدام	۸۷
۱۵-۶ استشهاد موافقان خلق جدید از آیات قرآن	۹۲
۱۶-۶ استشهاد مخالفان خلق جدید از آیات قرآن	۹۸
۱۷-۶ تطبیق حرکت جوهری و خلق جدید	۱۰۱
الف- وجوه اشتراک	۱۰۱
ب- وجوه اختلاف	۱۰۲
۱۸-۶ شباهت هستی های آنی در فلسفه بودیسم و خلق مدام	۱۰۶
۱۹-۶ خلق جدید ابن عربی و ذره گرایی متکلمان	۱۰۷
۲۰-۶ قلب عارف	۱۱۲
۲۱-۶ انتقال تخت بلقیس	۱۱۷
نتیجه گیری	۱۲۳
منابع	۱۲۵

تقدیمی

تقدیم به مهدی موعود (عج)

که یگانه شاهراه عشق و عرفان جز امتداد نگاه او نیست.

تقدیم به همه شهیدان که شاهد حضور خدا در جهانشان بودند.

و آن دری کشان مست، باده نوشان جام الست که از دست ساقی ازل جام

عشق نوشیدند و عارفانه در خون تپیدند، آن شیران روز و زاهدان شب.

تقدیم به دکتر علی اکبر خانجانی

و تقدیم به دوستاران دانش و معرفت، آنان که به صفحات گمنام تاریخ

بی اعتنا نبوده، و اوراق زمان را همراه با تامل و تدبر ورق می زنند با این

امید که صراحت تاریخ قربانی جهلشان نباشد.

تقدیم به دکتر علی شریعتی

سپاسگزاری

سپاس و قدر دانی از اساتید محترم جناب آقای دکتر مظاهری و جناب آقای دکتر قنبری که مرا در تدوین این رساله راهنمایی کرده و جمع آوری این رساله مقدور نبود مگر به اشارات و راهنمایی های این بزرگان:

تقدیر ویژه ام از دستگیری و حمایت های پدر و مادر عزیزم که مرا در دستیابی به آرزوهایم تنها نگذاشته و حضور گرمشان قوت قلبم بود.

و تقدیر و تشکر از دلگرمی و زحمات بی شائبه همسرم که در تمام این لحظات مرا همراهی کرده و در این همگامی از هیچ کمکی مضایقه نکرده است.

و تمام کسانی که با بزرگواری و مساعدت خویش، بخصوص برادرانم، خواهرانم و دوستانم، یار راه مان بوده اند.

مقدمه

خدا را شاکر هستیم که به من توفیق کسب علم داد و از او می‌خواهم این علم حجاب نباشد برای من که حجاب علم بسی بدتر از حجاب جهل می‌باشد. دزدی که با چراغ آید گزیده تر برد کالا؛ آنموقع است که همه امور الهی می‌شود و بفرموده امام خمینی (ره): دست شما یدالله و چشم شما عین الله و گوش شما اذن الله می‌شود.

عرفا و حکمای بزرگی چون عین القضاة همدانی، حاج ملا هادی سبزواری ملا صدرای شیرازی فخرالدین عراقی، صدرالدین قونوی، عبدالرحمن جامی، و اکثر شارحان آثار ابن عربی و حتی فلاسفه مشایی نظیر بوعلی سینا به فلسفه جنبش و حرکت و تبدل و تجدد پدیده‌ها نیز معتقد بودند. این اندیشه در حافظه بشر قدمت چندین هزار ساله دارد و اساس اندیشه اعتقادی اکثر نظام‌های فکری فلسفی را تشکیل می‌دهد مانند عرفان بودایی، ذن ژاپنی و هندی و عقاید فلاسفه شرق و حتی دیدگاه برخی از فلاسفه غرب مانند هگل همه به جنبش جاوید و تحرک دائمی پدیده‌ها اعتقاد دارند. البته با تفاوت‌هایی که نشأت گرفته از محیط و آیین و سنن آنهاست. اما در اصل حول همین محور دور می‌زنند. پس همه معتقدان به این فلسفه فکری جنبش جاوید را در سیر تکاملی سبب رسیدن به کمال و تلاش در این راه را هدف غایی آفرینش و متصل به مشیت وجود مطلق می‌دانند. بدین معنا که اراده حق بر آن قرار گرفت. که حلقه آخر قوس نزول (انسان) به نکته آغاز در قوس صعود راه یابد و اتصال به مبدأ وجود صورت پذیرد. به اعتقاد عرفا این روند تکاملی در خلق مدام تبلور یافته و سبب پویایی و تحرک شورانگیز تمامی مخلوقات گشته و مداومت و استمرار حیات آنها را تضمین کرده است خوشبختانه در این تفحص و پژوهش درک غایی اندیشه خلق مدام در نظام فکری عرفای اسلامی به نحو مطلوب حاصل شده و در این رساله مورد بررسی قرار گرفته است.

فصل اول

کلیات

یک دهان خواهیم به پهنای فلک تا بگویم وصف آن رشک ملک

۱-۱ بیان مسأله تحقیق

آب دریا را اگر نتوان کشید هم به قدر تشنگی باید چشید

معانی هرگز اندر حرف ناید که بحر قلزم اندر ظرف ناید

اهمیت و انگیزه اصلی در گزینش موضوع خلق مدام در این کتاب بر این اساس استوار بوده که نگارنده همواره در تمامی دوران زندگی و مقاطع مختلف تحصیلی به مطالعه آثاری که درباره فلسفه آفرینش نوشته شده است بیش و پیش از هر موضوع دیگری گرایش داشته است. به ویژه جهان بینی عرفانی پیرو عرفان اسلامی در این دیدگاه از جاذبه بیشتری برخوردار است. چون اگر هدف و چگونگی آفرینش انسان فهمیده شود و فهم اگر با اخلاص و ایمان و عشق باشد انسان می تواند ادامه راه را به راحتی طی کند تا به معشوق خود برسد.

۲-۱ سؤال تحقیق

در هر تلاش علمی محقق باید قبل از هر کوششی، سوال تحقیق را برای خود مشخص کند تا تلاش او برای حل مسأله صرف شود و جریان تحقیق برای یافتن پاسخ هست خود را مصروف آن کند. با توجه به آنچه در اهمیت تحقیق بیان شد سوال این تحقیق از طرف اینجانب این است که.....

جهان بینی ابن عربی چگونه است؟

رابطه تجلیات الهی باخلق مدام چگونه بوده است؟

نظام مظهریت در بینش ابن عربی چه بوده است؟

رابطه اعیان ثابت با خلق مدام چگونه است؟

منظور از خلق مدام چیست؟

۳-۱- کلید واژه ها

خلقت جدید - خلق مدام - تجدد امثال - تبدل امثال - ابن عربی

۴-۱- پیشینه تحقیق

در فلسفه عرفان اسلامی اولین کسی که خلق مدام را مطرح کرد عین القضاة همدانی بود. بعد از او ابن عربی با نظریه وحدت الوجود، خلق مدام را تدوین کرد و شارحانش به انتشار و گسترش این نظریه پرداختند. این نظریه به صورت پراکنده در کتابهای شارحانش توضیح داده شده بود که ایزوتسو در کتاب خلق مدام در عرفان ایرانی و آیین بودایی ذن به شرح آن پرداخته است. و خانم نرگس قنبری با عنوان اندیشه خلق مدام در جهان بینی عرفا و ادبیات عرفانی به زبان ساده گفته است.

۱-۵- محدودیت ها و مشکلات تحقیق

دیگر این که ابن عربی پدر عرفان اسلامی در جامعه ما چهره دو وجهی دارد و عده ای از صاحب نظران معارف و مبانی عرفانی او را قبول نداشته و عده ای دیگر نظر مثبتی به وی دارند. کمبود منابع علمی (اعم از کتاب، مجله، اسناد)، نبود سوابق تحقیقاتی در پیرامون این موضوع و پیچیدگی کتابهای عرفانی به خصوص کتاب های ابن عربی و شارحانش که بیشتر با زبان خاص مطالب آن پرداخته شده است که فهم درست مقصود نویسنده را دشوار می سازد. اساتید فن و عارفان بزرگ اشاراتی به آن داشته اند.

۱-۶- قلمرو تحقیق

قلمرو تحقیق خلق مدام که از آغاز پیدایش این نظریه و مباحث آن به صورت نظریه کلامی از زمان قبل از ابن عربی بوده است و او این نظریه را با تدوین خود زنده کرد.

۱-۷- روش تحقیق

روش تحقیق این نوشتار بر اساس کتابخانه ای - تحقیقی می باشد. و اکثر منابع از نوشته های محی الدین عربی و شارحان و شاگردان وی می باشد و این منابع به دو زبان عربی و فارسی قابل دسترسی است.

فصل دوم

اصول موضوعه و مبادی بحث

مشبک های مرآت وجودیم

من و تو عارض ذات وجودیم

۲-۱- شارحان و مفسران مکتب ابن عربی

تعدادی از شاعران مشهور مکتب ابن عربی را به صورت خلاصه می توان چنین بیان کرد :

- ۱- عبدالله بدر حبشی شاگرد و مرید ابن عربی
- ۲- اسماعیل سودکین شاگرد ابن عربی و شارح کتاب تجلیات
- ۳- صدرالدین قونونی (متوفی ۶۷۳ هـ) شاگرد ابن عربی و صاحب کتب نصوص و فکوک.
- ۴- فخرالدین ابراهیم همدانی مشهور به عراقی (متوفی ۶۸۸ هـ) شاگرد قونوی و مرید شهاب الدین سهروردی و صاحب کتاب لمعات .
- ۵- سلیمان بن علی معروف به عقیف الدین تلمسانی شاگرد قونوی و شارح فصوص.
- ۶- مویلدالدین بن محمد جندی (متوفی ۷۰۰ هـ) از شاگردان قونوی
- ۷- سعیدالدین فرغانی از شاگردان قونوی و شارح تائیه ابن فارض.
- ۸- کمال الدین عبدالرزاق کاشانی (متوفی ۷۳۶ هـ) .
- ۹- داوود بن محمد رومی قیصری شاگرد عبدالرزاق کاشانی و شارح فصوص الحکم.
- ۱۰- رکن الدین مسعود شیرازی معروف به بابا رکنا شیرازی، شارح فصوص به زبان فارسی.
- ۱۱- سید حیدر آملی (متوفی ۷۸۷ هـ).
- ۱۲- شاه نعمت الله ولی کرمانی (متوفی ۸۳۴ هـ) مترجم نقش الفصوص.
- ۱۳- صائن الدین علی ترکه اصفهانی (متوفی ۸۳۵ هـ) شارح فصوص و صاحب کتاب تمهید القواعد.
- ۱۴- تاج الدین حسین خوارزمی (متوفی ۸۳۵-۸۳۸ هـ).
- ۱۵- نورالدین عبدالرحمن جامی (متوفی ۸۹۸ هـ) شارح فصوص و نقش الفصوص.
- ۱۶- خواجه محمد پارسا.

۱۷- ابوالعلاء عقیفی از معاصرین.

۱۸- استاد سیدجلال الدین آشتیانی از معاصرین.

۱۹- استاد حسن حسن زاده آملی از معاصرین^۱.

۲-۲- ذات حق

از خصوصیات ذات فقط به طریق سلبی می توان سخن گفت و آنها را چنین دسته بندی کرد .

۱- ذات بدون اسم و رسم است . صفت ندارد . در پس صفات قرار دارد . باطن باطن است ، حتی تجلی غیبی نیز ندارد تا چه رسد به تجلی شهادی یعنی گفته اند که ذات از واحدیت و احدیت نیز پنهان تر است ، حتی به « هو » نیز از او نمی توان یاد کرد چراکه « هو » اشاره به تجلی غیبی دارد . به قول ابن عربی :

خدا دارای دو تجلی است : تجلی غیبی و تجلی شهادت . تجلی غیبت هویتی است که خدا به واسطه آن از نفس خویش استحقاق « هو » را می یابد . پس هو دائماً از آن اوست .

۲- ذات بی نیاز از جهانیان است . هیچ نسبتی با هیچ چیز ندارد ؛ پس هیچ نیازی به هیچ موجودی ندارد . حتی محتاج شناخته شدن نیز نیست . ابن عربی از این حیث بین « ذات » از یک سو و « اله » و « رب » از سوی دیگر تفاوت قائل می شود .

خدا از حیث ذات ، بی نیاز جهانیان است و از حیث رب بودنش ، بدون شک طالب مربوب است . پس از حیث عین ، طالب چیزی نیست و از حیث ربوبیت طالب مربوب است^۲ .

ابن عربی درباره ی تمایز این دو ساحت ، گاه تعبیر دیگری به کار می برد و ذاتی را که عاری از نسبتهاست « هویت » و آنرا که قبول نسبت می کند « ربوبیت » می نامد :

^۱- (شرح نقش الفصوص ص ۳۱ و ۳۲) تحقیق و تالیف : دکتر عبدالرضا مظاهری

^۲- (الفتوحات المکیه ج ۲ ، ص ۳۶۴)

ربوبیت عبارت است از نسبت هویت به یک عین ، در حالی که خود هویت اقتضای نسبت را ندارد . ثبوت اعیان است که این نسبتها را از این هویت می طلبد . این همان چیزی است که از آن تعبیر به ربوبیت می کنند^۱ .

۲-۳- عدم دسترسی به کنه ذات حق تعالی

حقیقت ذات هستی در افقی بسی بالا و والا - که ناپیدای ذاتش می نامند - در پنهانی محض است ، هرگز نه جلوه ای می کند و نه ظهوری دارد ، نه پژوهشی پای رسیدن به آن را دارد و نه مشاهدات عارفی بال پر گشودن به آن جایگاه را ، هیچ سخنی از آن نمی توان گفت و هیچ خبری نمی توان داد .

ابن عربی می گوید که مناسبت بین حق و خلق نه معقول است و نه موجود ، از حیث ذات نه چیزی از او صادر می شود و نه او خود از چیزی نشات می گیرد . هر دلیل شرعی و با دلیل عقلی که به خدا دلالت کند متعلقش اله است نه ذات ، خدا از آن نظر که اله است همانی است که ممکنات به او مستندند^۲ .

پس باید توجه داشت که ذات ، وجودی است بی تعین ، بی نهایت ، غیرمشخص و عاری از هر نوع حد و ماهیت ، این حضرت را « غیب الغیوب » غیب هویت حق « هویت مطلقه » « ابطن کل باطن » ، « هستی صرف » و ... می گویند .

تعبیر وجود مطلق که پیروان ابن عربی برای اشاره به ذات به کار می برند ریشه در استعمالات خود ابن عربی دارد . وی در موارد متعددی از فتوحات تعبیر « وجود مطلق » را به کار برده است^۳ .

^۱- (الفتوحات المکیه ج ۲ ، ص ۹۴)

^۲- (الفتوحات مکیه ، ج ۲ ص ۵۷۹)

^۳- (الفتوحات المکیه ج ۱ ، ص ۹۰ و حج ۳ ، ص ۳۸۵)

این اصل حقیقت وجود مقید به قیدی نیست حتی عاری از قید اطلاق است ، لذا متصف به تقید و اطلاق نیست نه کلی و نه جزئی ، نه عام و نه خاص است . متصف به وحدت زاید بر ذات نیست . انصاف به اطلاق و تقیید ، کلیست و جزئیست ، عموم و خصوص وحدت و کثرت از لوازم حقیقت وجود است به اعتبار تجلی و ظهور متعدد در مراتب اکوان و اعیان و به همین جهت قادح در وحدت اصل حقیقت وجود نیست و حقیقت در مقام صرف خود باقی است . لذا حقیقت وجود از حیث اطلاقش نه قابل اشاره است و نه حکمی بر آن می توان کرد و اصلاً قابل شناخت نیست ، چون هیچ صفت و نسبتی به آن نمی توان داد و تا چیزی مقید و متعین نباشد ، نمی توان به آن حکمی کرد ، از این جهت باید اقرار کرد که کنه ذات حق تعالی مدرک و مشهود و مفهوم هیچ کس نمی تواند باشد . هر چه در عقل و فهم و حواس آید ، ذات او - سبحانه - از آن منزّه و مقدس است . (و لا یحیطون به علماً) (سوره طه آیه ۱) زیرا همه اینها محدثات اند و محدث جز ادراک محدث نمی تواند کرد . ابن عربی در این باره می گوید : ذات از حیث ذات اسمی ندارد زیرا محل اثر نمی باشد و برای هیچ کس معلوم نیست ، هیچ اسمی بدون نسبت یا بدون تمکین بر او دلالت ندارد چرا که اسماء برای تعریف و تمیزند ، پس این باب (باب معرفت الذات) برای ما سوی الله ممنوع است . پس خدا را غیر خدا نمی شناسد^۱ .

بنابراین ذات پنهان حق فراتر از این است که اسمی و یا صفتی بدان برسد و آنجا که هیچ نامی بر آن نتوان نهاد ، نه می توان شناخت و نه از آن سخنی گفت و هیچ یک از تعینات برای حضرت وجود « من حیث هو » لازم نیست . بلکه لزوم تعینات و تعیدات به حسب مراتب و مقامات وجود است که در این صورت وجود مطلق و مقید ، عام و خاص و واحد و کثیر می گردد بدون هیچ تغییر و تبدیل در ذاتش .

^۱ - (الفتوحات المکیه جلد ۲ ص ۶۹)

بنگر اندر حقیقت هستی	کوست اصل بلندی پستی
که چه سان در مراتب اطوار	مختلف می نمایدش آثار
گه کند جلوه بالتبع چو صفات	گه کند بالاصاله همچو ذوات
وین تغیر به فهم اهل ادب	در اضافات واقع است و نسب
پایه عزّ ذات از آن اعلاست	کش تو گویی فزود یا خود کاست
جاودان در مقرر اجلال است	وز ازل تا ابد به یک حال است
دامن قدس او کجا شاید	کز خیال تغیر آلاید ^۱

آری ، حق وجود محض است و این وجود مانند نور در ذات خود اقتضای ظهور می کند . ذات حق مجهول مطلق است و ادراک انسان به هیچ عنوان به آن احاطه پیدا نمی کند^۲ .

اما مرتبه ذات قیدی ندارد و به خاطر همین بی قیدی در دل هر مرتبه و مقامی حاضر است در عین حال فوق آن هم هست . مرتبه ذات هیچ مقابلی ندارد . ولی هر یک از مراتب دیگر در مقابل مرتبه دیگری قرار می گیرند . بدین سان مراد از مطلق حقیقتی است که هویت وجودی اطلاقی دارد به گونه ای که همه چیز را فرا گرفته و در همه جا خود از نشان می دهد و در عین حال هیچگونه تعیینی ندارد .

ای صفات آفتاب معرفت	و آفتاب چرخ بنده یک صفت
گاه خورشید و گهی دریا شوی	گاه کوه قاف و گه عنقا شوی
تو نه این باشی نه آن در ذات خویش	ای فزون از وهمها و ز بیش بیش

^۱ - (هفت اورنگ ج ۱ ص ۱۷۹)

^۲ - (جامی نقد الفصوص ص ۲۵)